

جناب آقا

ابو القاسم سلطان آبادی

و از جمله مسجونین جناب آقا ابوالقاسم سلطان آبادیست که رفیق سفر جناب آقا فرج بود * این دو شخص مؤمن ثابت مستقیم با قلبی سلیم و جانی زنده بنفثات روح الامین از ایران بارض سرّ شتافتند * زیرا از ظلم عوانان و اعتساف ستمکاران اقامت در وطن مألوف نتوانستند * پیاده از هر قیدی آزاده سر گشته کوه و صحرا شدند و گمگشته دشت و دریا بسی شبها که نخفتند و بی لانه و آشیانه ماندند و بی آب و دانه گذراندند بستری جز خاک نداشتند و رزقی جز گیاه صحرا نیافتند تا خود را کشان کشان بارض سرّ رساندند * از قضا در ایام اخیر بود آنان نیز اسیر شدند و در معیت جمال مبارک بسجن اعظم شتافتند * جناب آقا ابوالقاسم بیمار شد و بمحرقة شدیدة گرفتار او نیز مقارن صعود آن دو برادر آقا محمد باقر و آقا محمد اسمعیل صعود نمود و جسم مطهرش در خارج عکا مدفون شد و جمال مبارک اظهار رضایت از او نمودند و جمیع یاران در مصیبت او با چشمی گریان و قلبی سوزان آه و فغان نمودند * علیه البهاء الابهی *